

کتابخانه فلسفی

فلسفه

نگرش فلسفی ۱

نقد فلسفه پوپلر (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم)
و پوپلر (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم)
نقد فلسفه پوپلر (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم) (پست مدرنیسم)

موسی غنی نژاد

موسس و مدیر
موسسه فلسفی

درباره هایک

۱۳۷۱ / ترجمه و تصحیح

نشر نگاه معاصر

۷۴۲۷۷۲۶۲-۵۰۰۵۰۰

لیتوانیا، وینا، آلمان، فرانسه، ایتالیا

موسسه فلسفی، تهران، ایران (۱۳۷۱)

Friedrich August von Hayek, *Der Individualismus und die Moral*, 1988

نقد فلسفه پوپلر (پست مدرنیسم)

HB 1-101 ۲۶

۲۶-۱۰۱-۱

موسسه فلسفی

۱۳۷۱

ISBN 964-7603-05-0

فهرست

۱

نگاهی گذرا بر زندگی و اندیشه «هایک» / ۵

نگاهی گذرا بر زندگی و اندیشه «هایک»

۲

معرفت‌شناسی و اقتصاد / ۳۱

۳

هایک و روش‌شناسی ابطال‌گرایانه پوپر / ۹۱

۴

سراب عدالت اجتماعی / ۱۱۱

۵

اخلاق / ۱۲۹

1. Friedrich August von Hayek.

2. Eugen von Böhm-Bawerk. 3. Carl Menger.

4. Ernst Mach.

نگاهی گذرا بر زندگی و اندیشه «هایک»

فردریش اگوست فون هایک^۱ در تاریخ هشتم می ۱۸۹۹ در وین (اتریش) در خانواده‌ای دانشگاهی به دنیا آمد. پدر وی پزشک و استاد دانشگاه وین بود. او تحصیلات خود را از سال ۱۹۱۸ در رشته حقوق در همان دانشگاه آغاز کرد و در سال ۱۹۲۱ موفق به دریافت درجه دکتری در رشته مزبور شد. او علاوه بر حقوق، به اقتصاد و روان‌شناسی نیز علاقه خاصی داشت. از این رو، در همان سالها در کلاسهای درس اوژن فون بوهم - باورک^۲ نظریه پرداز اقتصادی معروف مکتب اتریش - مکتبی که کارل منگر^۳ پیش‌کسوت آن بود - شرکت می‌کرد. علاقه وی به فلسفه موجب شد که تحت تأثیر ارنست ماخ^۴، فیزیکدان و فیلسوف علوم،

1. Friedrich August von Hayek.
2. Eugen von Böhm-Bawerk.
3. Carl Menger.
4. Ernst Mach.

رساله‌ای با عنوان «مدخلی بر نظریه‌ی تکامل معرفت انسانی» بنویسد؛ که بیش از سی سال بعد با تغییراتی، تحت عنوان «نظم حسی: تحقیقی درباره‌ی مبانی روان‌شناسی نظری» منتشر شد. هایک به دنبال آشنا شدن با لودویک فون میزس^۱ به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی و اقتصادی این متفکر برجسته‌ی مکتب اتریش قرار گرفت. آن دو در سال ۱۹۲۷ «مؤسسه‌ی اتریشی تحقیقات اقتصادی» را بنیان گذاشتند، که هایک تا سال ۱۹۳۱ مدیریت آن را برعهده گرفت. او در سال ۱۹۲۸ در سفری به لندن، جان مینارد کینز^۲ را که معروف‌ترین اقتصاددان آن زمان انگلیس بود، ملاقات نمود. از همان ملاقات اول، اختلاف نظر مهمی بین آنها در مورد نظریه‌ی بهره به وجود آمد؛ اما علی‌رغم این‌که این اختلاف‌نظرها در زمینه‌های مختلف اقتصادی رفته رفته شدیدتر شد و حتی به مجادلات قلمی کشید، دوستی آنها هیچ‌گاه خدشه‌دار نشد.

هایک در سال ۱۹۳۱ به دنبال سلسله کنفرانس‌هایی که در «مدرسه‌ی اقتصادی لندن» (L.S.E.) ارائه کرد - که حاصل آن، کتاب *قیمتها و تولید*^۳ است - به استخدام این مدرسه‌ی مهم اقتصادی درآمد. او که اولین استاد خارجی L.S.E. بود، بدین ترتیب به لندن نقل مکان کرد و تا سال ۱۹۵۰ در آنجا اقامت گزید. سالهای ۱۹۳۰ دوره‌ی پر بار مجادلات قلمی و تبادل نامه بین او و «کینز» است. او در این سالها مقاله‌های متعددی درباره‌ی سیاستهای پولی، نظریه‌ی بهره و سود، سیکل‌های اقتصادی و مانند آن نوشت. هایک در این نوشته‌ها نظرهای «کینز» و طرفداران وی را در مورد رابطه‌ی اشتغال و تقاضای کل رد می‌کرد و نظر خود را مبنی بر این‌که بی‌کاری عمدتاً ناشی از تخصیص ناصحیح سرمایه‌گذار بهاست

1. Ludwig von Mises.
2. John Maynard Keynes.
3. Prices and Production.

می‌پروراند. به نظر وی، این تخصیص نادرست به علت سیاستهای پولی نادرست به وجود می‌آید. در سال ۱۹۴۱ اثر اقتصادی مهم وی تحت عنوان *نظریه‌ی محض سرمایه*^۱ منتشر شد. اما آغاز جنگ جهانی دوم و بحران ناشی از نازیسم موجب گردید که مسائل عاجل روز ذهن او را بیش از مسائل صرفاً اقتصادی به خود مشغول دارد. مسئله‌ی سوسیالیسم و برنامه‌ریزی متمرکز دولتی شاید بیش از هر چیزی موضوع نوشته‌های نقادانه‌ی هایک را از آن سالها به بعد تشکیل می‌دهد. آنچه در کنار این مسئله، نظر هایک را به طور مستمر و بیش از پیش به خود جلب می‌کند، مسائل «اپیستمولوژی»^۲ و «نظریه‌ی معرفت»^۳ است. در نوشته‌ی مهمی که در سال ۱۹۳۷ تحت عنوان «اقتصاد و معرفت»^۴ منتشر کرد، هایک برای اولین بار، نظرهای خود را در مورد تقسیم معرفت^۵ ارائه داد و با این کار رفته رفته از نظریه‌ی اقتصادی ارتدوکس فاصله گرفت؛ او بخصوص مفهوم تعادل عمومی والراس^۶ را که هسته‌ی مرکزی این نظریه است به کنار نهاد. در سال ۱۹۳۵ با خواندن کتاب کارل پوپر، *منطق اکتشاف علمی*، نزدیکی فکری زیادی در زمینه‌ی سیاسی و فلسفی با این نویسنده احساس کرده از این‌رو، در سال ۱۹۳۶ از پوپر دعوت کرد تا در سمینار وی در «مدرسه‌ی اقتصادی لندن» کتاب *فقر تاریخی‌گری* را معرفی کند. این در واقع آغاز یک دوستی طولانی بود.

از سال ۱۹۴۱ هایک تحقیقات خود را در زمینه «ضد انقلاب علم» و «علم‌گرایی»^۷ ادامه، و در این نوشته‌ها کاربرد کورکورانه‌ی روشهای مرسوم

1. The Pure Theory of Capital.
2. epistemology.
3. theory of knowledge.
4. Economics and knowledge.
5. division of knowledge.
6. Walras.
7. Scientism.